

## تحلیل مهندسی توحیدی تمدن مهدوی

خدامراد سلیمیان<sup>۱</sup>

امیرعباس خسروی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۹

### چکیده

یکی از برجسته‌ترین چالش‌های تمدن‌های بشری، در طول تاریخ، بی‌دینی، شرک و تحریف در آموزه‌های دینی بوده است. این چالش‌ها خود سبب اختلاف‌ها، جنگ‌ها، هواپرستی‌ها و کژی‌های بسیار و سبب دور شدن از هدف زندگی در دنیا شده، در نهایت منجر به نابودی برخی تمدن‌ها شده است. در این میان و در پس ظهور موعود منجی، تمدن مهدوی اما، از آن جایی که متکی بر آموزه‌های اسلامی از سویی و رهبری امام معصوم علیه السلام و منصوب از طرف خداوند از سوی دیگر، خواهد بود، با اصلاح کژی‌ها و تحریف‌ها و با برچیدن ادیان و مذاهب شرک‌آلود، دین راستین را که مبتنی بر یکتاپرستی است در جهان فراگیر خواهد کرد که نتیجه آن تمدنی فراگیر خواهد بود. این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی و با شیوه کیفی تحلیل داده‌ها انجام شده، در پاسخ به این پرسش است که: برجسته‌ترین ویژگی و تفاوت مهندسی تمدن مهدوی با تمدن‌های پیش از آن، که تأثیر برجسته‌ای در رشد مادی و معنوی جامعه خواهد داشت چگونه تحلیل می‌شود؟ نتیجه آن که یکتاپرستی فراگیر عنصر بنیادین آن تمدن است که حضرت مهدی علیه السلام با از بین بردن موانع در عرصه توحیدباوری، این نگرش را میان همه انسان‌ها، فراگیر کرده و نظام سیاسی - اجتماعی تمدن عصر ظهور را بر پایه مهندسی توحیدی بنا خواهد نمود؛ چراکه تفکر توحیدی بنیاد و جهت‌دهنده همه فعالیت‌های مسلمانان بوده و موجب تمایز تمدن مهدوی از سایر تمدن‌های مادی می‌باشد.

### واژگان کلیدی

تمدن توحیدی، یکتاپرستی، تمدن مهدوی، مهدویت، مهندسی تمدن.

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (kh.salimian@isca.ac.ir).

۲. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول) (17khosravi@gmail.com).

## مقدمه

امروزه و در گذر هزاران سال از حیات بشری روی کره زمین، انسان‌ها، شاهد شکل‌گیری و نیز نابودی تمدن‌ها، به مثابه نظمی اجتماعی که در نتیجه وجود آن، خلّاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند (ویل دورانت، ۱۳۶۷: ج ۱، ۳) بوده‌اند. تمدن‌هایی که با عمر کوتاه و یا دراز خود، تأثیرات شگرفی را در زندگی انسان‌هایی داشته، برخی ماندگار شده و برخی نیز از بین رفته‌اند.

این تمدن‌ها با چهار رکن و عنصر بنیادین: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی؛ سازمان‌یابی؛ سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر؛ در پس هرج و مرج و ناامنی امکان‌پذیرند. زیرا فقط هنگام از بین رفتن ترس است که کنج‌کاوی و احتیاج به ابداع و اختراع به کار می‌افتد و انسان خود را تسلیم‌غریزه‌ای می‌کند که او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبودی زندگی سوق می‌دهد (همان).

آنچه در همه این تمدن‌ها به عنوان عنصری مشترک نقشی بنیادین بر عهده داشته باورهای معنوی، به‌ویژه اعتقادات بهره‌مند از آموزه‌های وحیانی، به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم بوده است. از این رو مانایی هر تمدنی را می‌توان در میزان بهره‌مندی و پای‌بندی آن به باورهای دینی دانست. چه این که نابودی تمدن‌ها را نیز می‌توان در اصالت دادن به امور مادی و طبیعی و ستیز با خداوند و آموزه‌های الهی و ستم و ستمگری دانست (واسطی، ۱۳۹۱ش: ۳۰).

امام خمینی رحمته‌الله‌علیه معمار بزرگ انقلاب اسلامی اما، گرچه برای تمدن تعریف مشخصی ارائه نداده، از برخی عبارات وی مانند: «در اروپا تمدن نیست، بلکه کلمه توحش به اروپا نزدیک‌تر است»، استفاده می‌شود برجسته‌ترین عنصر تمدن نه در نمادهای مادی و فیزیکی آن، بلکه در توان انسان‌سازی و پیوند با معنویت، آن نهفته است. با این بیان، وی فرهنگ غرب را با همه توانایی‌هایی که در تولید آفریده‌های بشری و کشف قوانین طبیعت دارد، به سبب نگاه تک‌بعدی‌اش به انسان، تمدن نمی‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۵۷ش: ۸).

در موضوع مهدویت اما، در روایات پرشماری به این فراگیری زمین از شرک، فساد و تباهی در دوره‌های زندگی بشر و به‌ویژه در آستانه و پیش از ظهور مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فی‌سنة‌الشریفة سخن به میان آمده است (کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۸، ۴۰، ۷). چه این که به پرشدن زمین از داد و دادگری در پناه حکومت و تمدنی خدامحور (برقی، ۱۳۷۰ش: ج ۱، ۶۱) پرده برداشته شده است.

تمدن مهدوی به معنای نظم جهانی در زندگی انسان‌ها بر پایه آموزه‌های قطعی و معتبر اسلامی با محوریت عدل و قسط و مهندسی تمدن به معنای ایجاد هماهنگی بین همه عناصر پدیدآورنده آن تمدن برای رسیدن به اهداف مشخص تمدنی که:

۱. از لحاظ اعتقادی، اندیشه الهی بر جامعه حاکم است (عیاشی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ۱۸۳، ح ۸۱)؛ وحی یکی از منابع مهم معرفتی به شمار می‌رود (مفید، ۱۳۷۲ش: ج ۲، ۳۸۶). در همین زمینه، عقل نیز جایگاه شایسته‌ای دارد (کلینی، ۱۳۶۵ق: ج ۱، ۲۵)؛

۲. از لحاظ رفتاری، در جامعه متمدّن مهدوی مردمانی زندگی می‌کنند که برخی از ویژگی‌های آنان عبارتند از: وظیفه‌شناسی، پرکاری، مسئولیت‌پذیری، همکاری و رقابت در امور خیر. و به طور کلی، فضایل اخلاقی بر جامعه حاکم است (صدر، ۱۳۸۴ش: ۴۶۰)؛

۳. از لحاظ امکانات رفاهی، کلیه افراد جامعه از رفاه نسبی برخوردارند (کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۳، ۵۶۸، ح ۶). توزیع ثروت به صورت عادلانه و براساس لیاقت‌هاست ﴿حٰی لَا یَکُوْنُ دُوْلَةٌ بَیْنَ الْأَغْنِیَاءِ مِنْکُمْ﴾ (حشر: ۷). چه این که عدالت به عنوان یکی از والاترین ارزش‌ها همیشه بخش قابل توجهی از دغدغه‌ها و آرزوهای انسان را به خود اختصاص داده است. در دین مبین اسلام، عدالت چنان اهمیتی دارد که جزو اصول دین قرار گرفته است. بخش عظیمی از آیات و روایات مستقیم و یا غیرمستقیم به این موضوع اختصاص یافته است؛

۴. از بعد نظام سیاسی، در مهندسی جامعه متمدّن مهدوی، نظامی حاکم است که برجسته‌ترین ویژگی آن الهی بودن آن است. کارگزاران خود را خدمتگزار مردم می‌دانند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۱۹، ح ۸). از استبداد و خودرأیی پرهیز می‌کنند.

افزون بر سخنان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در این باره می‌توان بررسی‌های پیشینی در این مقال را در آثاری دانست مانند: *عصر زندگی و چگونگی آینده اسلام و انسان* نوشته محمد حکیمی که در ۲۰ بخش به بیان اهداف، برنامه‌ها و ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه و چگونگی ظهور آن حضرت پرداخته است. *آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدوی)* به قلم رحیم کارگر، کتاب *تاریخ تمدن و ملک مهدوی* نوشته محمد هادی همایون، *نشانه‌هایی از دولت موعود* به قلم نجم‌الدین طبسی، *نقش باورداشت آموزه‌های مهدوی در احیای فرهنگ و تمدن* به قلم امیر محسن عرفان و کتاب *تمدن در عصر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه* نوشته عباس مدرسی. و البته برخی مقالات در این باره مانند: الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی (محسن فرمهینی فراهانی)، دین و تمدن (مجید یاریان)، شاخصه‌های تمدن اسلامی از منظر آیات و روایات (الهام تقی‌نیا)، دولت

مهدوی (عبدالحسین فخاری)، عصر ظهور و رشد عقلی بشر (محمدعلی اخویان)، ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی عنصر ظهور و نقش الگویی آن در فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز (قنبرعلی صمدی)، تبیین ره‌آوردهای عصر ظهور در پرتو زندگی توحیدی (فتح‌الله نجارزادگان).

### عناصر تمدن مهدوی

متفکرانی که در عرصه تمدن اندیشیده‌اند برای تشکیل و ساخت تمدن عناصری را ارائه کرده‌اند که خلاصه آنها در ذیل اشاره می‌شود.

اولیویا و لاهوس مؤلفه‌ها و عناصر تمدن را چنین شرح داده است:

۱. همه تمدن‌ها دارای مقررات و قوانینی هستند که معمولاً به صورت مجموعه‌ای مکتوب‌اند؛

۲. همه تمدن‌ها دارای نوعی دولت هستند، دولتی با زمامداری پادشاهان یا روحانیان و پادشاه - روحانی و در نهایت، نمایندگان منتخب مردم؛

۳. همه تمدن‌ها خط و الفبایی برای ثبت و ضبط وقایع و امور دارند؛

۴. در همه تمدن‌ها اشکال و انواعی از هنر و فعالیت‌های هنری دیده می‌شود؛

۵. همه تمدن‌ها زبانی برای انتقال و آموزش دستاوردهای خود به نسل بعد دارند؛

۶. همه تمدن‌ها دارای معتقدات دینی با سلسله مراتبی از روحانیان و مقدسان هستند؛

۷. همه تمدن‌ها علوم را تکامل می‌بخشند؛ خواه به دلیل قواعد علمی و خواه برای خدمت به اهداف دینی (روح الامینی، ۱۳۷۹ش: ۵۲).

ویل دورانت بر این باور است که تمدن چهار رکن و عنصر اساسی دارد:

۱. پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی؛

۲. سازمان سیاسی؛

۳. سنن اخلاقی

۴. کوشش در راه معرفت و بسط هنر (ویل دورانت، ۱۳۶۶ش: ج ۱، ۳).

ابن خلدون اما از زاویه‌ای دیگر به ایجاد تمدن می‌نگرد. او هفت عامل را در ساخت تمدن مؤثر می‌داند:

۱. دولت و رهبر؛

۲. قانون دینی یا عرفی؛

۳. اخلاق؛

۴. کار؛

۵. صنعت؛

۶. جمعیت؛

۷. ثروت.

از نظر ابن خلدون می‌توان سه عنصر اول را عناصر اصلی و مهم‌تر از چهار عنصر دیگر دانست (رادمنش، ۱۳۵۷ش: ۱۷).

عناصر دیگری که در آرای گوناگون با کم و بیش مطرح شده عبارتند از: وجود امنیت؛ آرامش و کاهش اضطراب‌ها؛ تعاون و همکاری گروهی همبستگی؛ عدالت؛ خردورزی؛ رشد اخلاق؛ تکمیل نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی، تعامل درونی اقوام و کشورها با سایر جوامع، تحمل افکار و اندیشه‌های مختلف حفظ وحدت و یکپارچگی و...  
عامل دین در ایجاد تمدن‌ها، نقش بی‌بدیلی داشته است. کتاب قرآن، فرمایشات پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) را که منابع اصلی تمدن‌ساز هستند که تحولات شگرفی را در گذشته در آینده بر جای خواهد گذاشت (اعرافی، ۱۳۹۵ش: ۳۱۸). در ادامه به تحلیل برخی از این عناصر می‌پردازیم.

### یکتاپرستی رمز ماندگاری تمدن‌ها

تمدنی ماندگار است که بنیان آن یکتاپرستی خداوند در همه عرصه‌های زندگی است. در مهندسی آن تمدن فعلیت پیدا کردن توانمندی‌ها، تحقق اهداف متعالی انسان را در پی دارد که خداوند به روشنی در آیه ۵۵ سوره نور، بدان اشاره کرده، به انسان‌های ستمدیده نوید داده آن را است.

گفتنی است که در آیات پیش از این آیه، سخن از اطاعت و تسلیم در برابر فرمان خدا و پیامبر ﷺ است و در این آیه، بحث ادامه یافته و نتیجه این اطاعت - که همانا حکومت جهانی است - بیان شده است. بر پایه آن، خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، نوید می‌دهد که آنان را به طور قطع خلیفه روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید و دین و آئینی را که برای آنان پسندیده، به طور ریشه‌دار و پا برجا در صفحه زمین نهادینه خواهد ساخت و ترس آنها را، به امنیت و

آرامش مبدل خواهد کرد. مردم فقط خدا را پرستیده و چیزی را شریک او قرار نخواهند داد. به نظر می‌رسد این خلافت بر زمین در هر دوره و توسط گروهی از انسان‌ها را می‌توان نمود روشنی از هندسه تمدن انسان‌ها دانست. که در آن‌جا که بر پایه ایمان و عمل شایسته بوده دوام و بقا یافته و در آن‌جا که به شرک و ستم کشیده شده، رو به نابودی رفته است. پس از این برتری و فراگیری حکومت توحید و استقرار آئین الهی و از میان رفتن هر گونه دلهره، ناامنی و شرک، کسانی که پس از آن کفر بورزند، به یقین فاسق واقعی خواهند بود که محکوم به نابودی هستند (اسراء: ۸۱).

به هر حال آیه شریفه گویای آن است که پروردگار متعال به گروهی از مسلمین شایسته و با ایمان، سه نوید داده است:

نخست: جانشینی و حکومت بر زمین (تمدنی فراگیر و مانا)؛

دوم: گسترش دین حق به طور بنیادین و ریشه‌ای در کره زمین؛

سوم: از میان رفتن اسباب ترس و ناامنی.

نتیجه آن‌که مردم در این دوران در نهایت اختیار، انتخاب و آزادی، خدا را می‌پرستند، فرمان‌های او را گردن می‌نهند، هیچ شریک و شبیهی برای او قائل نمی‌شوند و یکتاپرستی خالص را در همه جا می‌گسترانند.

بدین ترتیب توحیدباوری و ریشه‌کن شدن شرک از ویژگی‌های بنیادین دولت مهدوی است که سبب تعالی و رشد جامعه و زمینه‌ساز تمدنی نوین، خواهد بود؛ چراکه اگر در جامعه یگانگی خداوند حکم فرما باشد، مردم جز در برابر پروردگار متعال کرنش و فروتنی نخواهند کرد و هیچ انسانی نیز برای خود توانی در برابر قدرت خداوند قائل نخواهد بود؛ در چنین شرائطی است که مردمانی که تا پیش از آن زیر بار سلطه ستمگران بوده‌اند و همه جوانب زندگی به ظاهر آزادشان اسیر پنجه قدرت‌های چیره جامعه بوده است از زیر این سلطه رها شده، آزادانه زندگی می‌کنند. و این نیست مگر برای این‌که با فراگیری توحیدباوری جز خدا را شایسته ستایش ندانسته و همه زندگی خویش را در گرو قدرت الهی می‌بینند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۸۵).

بی‌گمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریح می‌کوشد تا در آن تمدن فراگیر، با بیدار کردن سرشت‌های خفته، زمینه را برای یکتاپرستی همگان، که همانا هدف آفرینش است، فراهم سازد. او نه فقط هرگز برای یکتاپرستی کسی را زیر فشار و ناگزیری قرار نخواهد داد، بلکه با فراهم ساختن بسترهای بایسته برای پذیرش این امانت الهی، همگان را به اندیشیدن در نشانه‌های پروردگار

فرا می خواند (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ج ۱، ۲۵، ح ۲۱) و برآیند این اندیشیدن به آغاز و انجام، ارمغانی جز تمدنی بر پایه پرستش حقیقی خداوند نخواهد بود. و در پرتو این تمدن توحیدی برترین نیازهای بشری که همانا قرب به پروردگار متعال است، تأمین خواهد شد (قمی، ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ۸۷).

### رشد اخلاق اجتماعی در پرتو توحید باوری

به نظر می رسد تمدن های بشری هرکدام به فراخور با چالش هایی روبه رو بوده اند. که برجسته ترین آنها نبود معنویت و عدم حضور بایسته خداوند در مهندسی آنان است (عرفان، ۱۳۹۶ ش: ۱۸۹) که این به ویژه در مرحله پیشاظهار به دین گریزی و نفی خداوند نیز منجر خواهد شد.

امیرمؤمنان علیه السلام دین گریزی مردم در آخرالزمان را از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به روشنی گزارش کرده است که فرمود:

بر مردم روزی فرا می رسد که از قرآن جز رسم آن باقی نماند و از اسلام جز نام آن؛ بدان نامیده می شوند، در حالی که دورترین مردم از آن هستند! مسجدهای آنان آباد، اما از هدایت گری خراب است (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ج ۸، ۳۰۷، ح ۴۷۹).

و همان حضرت مردمان را بر حذر داشته آینده آنها را پرماجرا تعریف کرده فرمود:

ای مردم! به زودی زمانی بر شما می رسد که اسلام چونان ظرف واژگون شده، آنچه در آن است، ریخته می شود (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق: خطبه ۱۰۳).

برجسته ترین عامل در پدید آمدن این وضعیت، تحریف در آموزه های متعالی دین در این دوران است که سبب می شود مردم از محتوای اصلی آن دور شده، به باورهای واهی رو آورند. البته نقش دشمنان در این زمینه نباید نادیده گرفته شود.

در برابر اما، فرهنگ و تمدن جامعه عصر ظهور، ماهیت و صبغه دینی دارد و بر پایه کمال طلبی انسان استوار است. الگوی جامعه متمدن مهدوی حرکت در مسیر تکامل و تعالی معنوی با محوریت خداست. این اصل در همه گستره ها و رفتار فردی و اجتماعی پدیدار است و نتیجه آن پدید آمدن جامعه متعالی و کمال گرا است. در راستای تحقق این هدف جامعه عصر ظهور با اثرپذیری از آموزه های دینی و الهی شکل می گیرد و برجسته ترین نمود آن نگرش توحیدی است که در همه عرصه های فکری و رفتاری جامعه مهدوی حاکم است (صدوق،

۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۱۷، ح ۳).

اندیشه توحیدمحور، بنیان همه تفکرها و جهت دهنده حرکت و فعالیت های افراد جامعه در عصر ظهور خواهد بود. انسان تا شناخت درست و باور ژرفی نسبت به مبانی اعتقادی خود، نداشته باشد، کمتر هنجارپذیر شده و به سمت کمالات واقعی حرکت می کند. به همین جهت باید گفت تفکر توحیدی که تفکر بنیادین در نظام معرفتی اسلام است زیربنای همه اعمال و رفتار افراد جامعه است و در همه زمینه ها ایفای نقش می کند.

بی گمان آن گاه که از مهندسی توحیدی در تمدن مهدوی صحبت می شود همه مراتب توحید را دربر خواهد گرفت. چراکه توحیدباوری به معنای مطلق در صورتی در جامعه حکم فرماست که همه مراتب آن را در بر می گیرد (ر.ک: واسطی، ۱۳۹۱ش: ۳۷۰). اما برای پدیدار شدن چنین جامعه ای به ناگزیر افزون بر فراهم نمودن شرایط، رفع موانع نیز بایسته می نماید.

#### موانع زدایی، برجسته ترین گام در مهندسی توحیدی تمدن مهدوی

یگانه پرستی، هدف بعثت پیامبران الهی و از بنیادی ترین آموزه های ادیان آسمانی بوده است (نحل: ۳۶)، همه پیامبران نخستین و برجسته ترین آموزه دینی خود را باور به خداوند یگانه و ایمان به وحدانیت او معرفی کرده اند (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۳۹). اما با این وجود با گذشت هزاران سال از برانگیخته شدن پیامبران الهی، هم چنان این باور به معنای حقیقی آن در میان مردم نهادینه نشده است.

سوک مندانه آنچه در تمدن های مادی و به ویژه در عصر حاضر دیده می شود کم رنگ شدن فضیلت های اخلاقی و گسترش فحشاء و منکر بین مردم است. البته که در هر زمانی افرادی با اعتقاد کامل و مؤمن به آموزه های الهی وجود دارد، کسانی که با اعتقاد به توحید و نبوت و امامت گوش به فرمان دستورات الهی بوده و به همه فرامین الهی به صورت کامل عمل خواهند کرد (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۱۹، ح ۲). اما این افراد در برابر شمار فراوانی که دارای چنین اعتقاد و عملی نیستند، بسیار اندک می نمایند، و به همین جهت می توان گفت اعتقاد به توحید به صورت تام و کامل در میان مردم ایجاد نشده است (کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۸، ۴۰، ح ۷). در چنین شرائطی، فراگیری توحیدباوری به معنای تام و مطلق آن در عصر ظهور ابهاماتی را در پی خواهد داشت، ابهاماتی از این قبیل که چگونه مسئله ای که با تلاش همه پیامبران الهی



به سرانجام نرسیده به دست ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به سرانجام خواهد رسید. و چرا موانعی که تا آن زمان مانع گسترش چنین اعتقادی بوده است در تمدن مهدوی بازدارنده آن نخواهد بود؟ برای روشن شدن این ابهام ابتدا باید موانع توحیدباوری را بشناسیم و آنها را بررسی کنیم. با بررسی دقیق به شماری از موانع جزئی خواهیم رسید که در مسیر گسترش باور توحیدی اخلاص ایجاد نموده و مانع از فراگیری آن شده‌اند. در این جا به دو مانع اساسی می‌پردازیم:

نخستین مرحله از باور توحیدی اعتقاد به توحید ذاتی و مراتب دیگر آن از جمله توحید در خالقیت، توحید افعالی و توحید ربوبی است که در پی این اعتقاد، توحید در عبادت و اطاعت و رشد فضائل اخلاقی خواهد آمد. باور به وحدانیت خداوند متعال و شریک نداشتن او در خلق و تدبیر عالم، اساسی‌ترین اعتقاد توحیدی است که در صورت نبود آن مراتب دیگر توحید نیز به وجود نخواهد آمد. آنچه موجب ضعف در این اعتقاد بنیادین است خردستیزی و بینش نادرست انسان‌هاست، افرادی که خردورز نبوده و بینش درستی از هستی و خلقت نداشته باشند برای خداوند یگانه شریک قرار داده و آفرینش و پرورش عالم را مخصوص او نمی‌دانند. این در صورتی است که عقل و فطرت انسانی او را به یگانگی خداوند رهنمون خواهند شد (صدوق، ۱۳۶۶ش: ۲۲۳). برهان‌های عقلی اقامه شده برای وحدانیت خداوند شاهد همین مطلب است.

بنابراین انسان خردورز که عقل و تدبیر خود را با اوهام نیالوده باشد با بینش درست به حقایق آفرینش نظر کرده و همانندی برای خداوند یگانه در وجود و خلقت و تدبیر عالم نخواهد دید. این اتفاق در عصر ظهور رخ خواهد داد (ر.ک: واسطی، ۱۳۹۱ش: ۸۳) و به دست مبارک حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عقل و خرد انسان‌ها کامل خواهد شد همان‌گونه که امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ  
أَخْلَامُهُمْ (کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۱، ۱۰)؛

هنگامی که قائم ما قیام کند دست [مبارکش] را بر سر بندگان خواهد نهاد و در پی آن نیروهای عقلی را متمرکز و کامل می‌نماید.

با این توضیح می‌توان گفت در این مهندسی، یکی از موانع بنیادین سرراه توحیدباوری در عصر ظهور با رشد خرد انسان‌ها از میان برداشته خواهد شد. مانعی که نه فقط در باور به توحید ذاتی و مانند آن خلل ایجاد می‌کند بلکه حتی برای توحید در عبادت و اطاعت نیز بازدارنده

خواهد بود. چراکه یکی از دلایلی که انسان از غیرخدا پیروی می‌کند بینش نادرست اوست، چون خدا را قادر مطلق نمی‌بیند و در کنار او برای دیگری نیز در حل مشکلات خویش قدرتی قائل است، و از غیرخدا درخواست کمک می‌کند. همچنین به جهت خردستیزی زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داده و از لذت‌های دنیا برای رسیدن به لذت و آرامش ابدی دست نمی‌کشد (نحل: ۱۰۶-۱۰۷).

از دیگر بازدارنده‌های فراگیری توحید در جوامع انسانی هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی است. چه در گذشته که سردمداران و حاکمان مستکبر در اثر خودبرتربینی با انبیاء الهی مقابله کرده و به خداوند یگانه ایمان نیاوردند و چه در عصر حاضر که مردم دربند هوای نفس اسیر گشته و یگانگی خداوند را فراموش می‌کنند (ص: ۲۶).

وسوسه‌های شیطانی و هواهای نفسانی در نظر انسان این‌گونه جلوه می‌کنند که تأمین نیازهای او منحصر در ارتکاب گناه و معصیت است. در چنین شرائطی حتی کسی که اعتقادش به وحدانیت خداوند استوار باشد اما قدرت سرکوب نفس اماره را نداشته باشد گرفتار هوای نفس و دام شیطان خواهد شد. در حالی که چنین فردی (با اعتقاد به یگانگی خداوند و باور به این‌که تأمین همه نیازهایش فقط از طریق خداوند و راهی است که او قرارداده است)، اگر قادر به مقابله با هوای نفس خویش و وسوسه‌های شیطان باشد هرگز از مسیر بندگی بیرون نخواهد شد. چراکه با اعتقاد به توحید در اطاعت و عبادت، فقط خداوند را شایسته پرستش و اطاعت خواهد دانست و فقط از راهی که آفریننده‌اش تعیین کرده باشد، نیازهای فطری خویش را رفع خواهد نمود.

بنابراین هوای نفس از بازدارندگان توحید در عبادت و اطاعت است. و از سویی نیز سبب گردن‌کشی و خودبرتربینی برخی حاکمان و دولت‌مردان خواهد شد، و آن جاست که چنین افرادی برای خود جایگاه و منزلتی مستقل قائل شده و خودبزرگ‌بینی و غرورشان به ظلم و ستم بر یکایک افراد جامعه می‌انجامد. و این در حالی است که همین افراد اگر متوجه توحید افعالی و ربوبی باشند، برای خود هیچ جایگاه مستقلی قائل نخواهند بود و هر آنچه هستند و دارند را از فیوضات خداوند یگانه می‌دانند.

در مهندسی توحیدی تمدن مهدوی به واسطه تعالیم حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف و تکامل خرد انسانی، ضعف انسان در مقابله با هواهای نفسانی از بین رفته و در پی تربیت اخلاقی کسی تسلیم هوای نفس و وسوسه شیطان نخواهد شد. همان‌گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در

روایتی که شرائط عصرظهور را بیان می‌کنند در این باره می‌فرمایند:  
 [در آن زمان] ربا و زنا از بین رفته، شرب خمر و ریا ریشه‌کن شده و مردم به عبادت رو  
 خواهند آورد... (مقدسای شافعی، ۱۴۱۶ق: ۲۱۱).

بنابراین در تمدن عصرظهور انسان‌ها در مقابل هوای نفس ضعیف نخواهند بود چراکه  
 مقابله با هوای نفس در اثر تمرین و تربیت و قدرتمندی قوه خرد آسان می‌گردد. در طی این  
 فرآیند وسوسه‌های شیطانی نیز اثر خود را از دست خواهد داد. که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در توصیف  
 حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الْعَرِيفُ می‌فرمایند:  
 دل‌های بندگان را با عبادت و اطاعت پر می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۷۹).

غیر از این دو مانع بنیادین موانع دیگری را نیز می‌توان به عنوان عوامل شرک برشمرد، از  
 جمله «حاکمان ناشایست» که برای نگهداری جایگاه اجتماعی خویش موجب انحرافات در  
 جامعه شده و راه توحیدباوری و بندگی خداوند متعال را می‌بندند. همچنین «محیط آلوده و  
 دوستان ناسالم» که تأثیر آن بر اعتقادات و رفتار افراد بر کسی پوشیده نیست، چه بسیار کسانی  
 که تحت تأثیر فضای آلوده و دوستان ناباب از مسیر بندگی و عبادت خداوند فاصله گرفته و به  
 گمراهی کشیده شده‌اند.

این موارد و مانند آن به طور عمده به همان دو مانع اساسی که گفته شد، بازمی‌گردد. و  
 چون آن دو در دولت مهدوی رفع خواهند شد سایر موارد نیز از میان برداشته شده و به این  
 ترتیب می‌توان گفت همه موانع توحیدباوری در تمدن مهدوی زوده شده و این باور در  
 سراسر جهان گسترش خواهد یافت (ر.ک: عرفان، ۱۳۹۶ش: ۹۹).  
 بی‌گمان از آن جایی که مهندسی تمدن مشعر به سازماندهی ارکان تمدن و تدوین سازوکار و  
 نحوه تعامل این ارکان با همدیگر و تضمین نتیجه و راه‌های رفع چالش‌ها و کمبودهاست.  
 اساسی‌ترین گام در این مهندسی را می‌توان تحکیم باورهای دینی دانست.

### تحکیم باورهای دینی

در مسیر برپایی تمدن فراگیر فقط پیشرفت‌های مادی و توسعه امکانات رفاهی کافی  
 نیست، از آن برجسته‌تر، دگرگونی در باور و اندیشه انسان‌هاست. وقتی وسایل زندگی افراد  
 مدرن شود، انسان در جهت استفاده و بهره‌مندی از آنها مقداری عوض می‌شود، ولی بینش او  
 تغییر نمی‌کند. هر جامعه متمدنی از امکانات و پیشرفت‌های مادی برخوردار است اما هر

جامعه‌ای که اینها را داشته باشد به طور حتم متمدن نیست (شریعتی، ۱۳۹۴: ۸۰). بنابراین صرف ایجاد جامعه‌ای که دارای مزایای مادی است به معنای ساخت تمدن نیست. برای ساختن یک تمدن باید باورها و نگرش مردم را اصلاح کرد (عرفان، ۱۳۹۶: ۸۱ و ۹۹). به همین جهت از برجسته‌ترین کارهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در راستای پدید آمدن تمدن اسلامی که ریشه بسیاری از پیشرفت‌های تمدنی خواهد بود اصلاح دیدگاه‌ها و طرز فکر مسلمان‌هاست. در این مسیر گام نخست تصحیح باورهای دینی مسلمانان و برکنندن نادانی و خرافه و تحریف است. چراکه بهسازی این باورها موجب اصلاح تفکرات و نگرش آنان شده و سبک زندگی مسلمانان را تصحیح خواهد کرد. به همین جهت یکی از شاخصه‌های اساسی در مهندسی تمدن عصر ظهور، تحکیم باورهای دینی به واسطه بسط فرهنگ عبودیت و پی‌ریزی دولت و جامعه اخلاقی خواهد بود.

#### بسط فرهنگ عبودیت با محوریت تربیت اخلاقی

جزء اصلی در تشکیل اجتماع صالح انسانی، خود انسان است. هر اصلاح و تحولی، نخست باید از درون انسان آغاز گردد و سپس به برون جامعه برسد. اقتصاد، سیاست، اخلاق، ایثار، خوشبختی، نظم و... همه به انسان باز می‌گردد. بهترین برنامه‌ها و آموزش‌ها، باید به دست انسان‌های شایسته اجرا شود وگرنه سودی نمی‌بخشد و تحولی نمی‌آفریند. از این رو پرورش و رشد انسانیت انسان و تربیت اخلاقی افراد انسانی، مقدمه اصلی تشکیل هر نظام صالح و انسانی است (حکیمی، ۱۳۷۴: ۲۰۵). امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در مهندسی تمدن توحیدمحور از این نقطه زیربنایی آغاز می‌کند و پس از قیام و پیروزی بر گروه باطل و نابودی آنان به متمیم مکارم اخلاقی و تربیت انسان‌ها می‌پردازد. تا دیگر برنامه‌های دولت او به شایستگی انجام یابد.

برای تکامل افراد جامعه باید دو بعد اثرگذار در آنان رشد کند:

نخست بعد اخلاقی: تربیت و تزکیه انسان، به وسیله رشد فضایل اخلاقی و عبادت‌گری و معنویت‌گرایی انسان و دوم بعد عقلی: تعلم و حکمت‌آموزی انسان به وسیله تقویت خردورزی و روشن‌بینی او و اندیشه‌ورزی در مبدأ و معاد.

در روایات مهدوی به رشد دو بعد (فکری و اخلاقی) اشاره مستقیم شده و تعلیم و تربیت افراد جامعه از اقدامات آن حضرت در هندسه تمدن نوین اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. همان‌گونه

که امام باقر علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمًا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُوبَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهَا  
أَخْلَاقَهُمْ (راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۸۴۰)؛

زمانی که قائم ما به پا خیزد دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و خرد آنان را متمرکز ساخته و اخلاق‌شان را کامل می‌کند.

این روایت به روشنی رشد جامعه مهدوی در هر دو بعد را بیان کرده، می‌فرماید حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف پس از ظهور دستی بر سر بندگان کشیده تمامی موانع و آفت‌های رشد و تعالی عقلانی انسان‌ها را از بین می‌برد و عقول آنان را به حد بالایی از شکوفایی و رشد می‌رساند و به همین ترتیب اخلاق انسان‌ها را به کمال رسانیده و تهذیب نفوس انسانی و طهارت جامعه بشری را در رأس برنامه‌های خود قرار می‌دهد (کارگر، ۱۳۸۷ش: ۳۴).

در راستای تربیت جامعه بشری شکوفایی عقلی و کمال فکری جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت، چراکه اسلام به خردورزی اهمیت فراوانی داده و آن را موجب دوری از گناه و چیرگی بر هواهای نفسانی می‌داند (آمدی التیمی، ۱۳۶۶ش: ۹۲).

با توجه این نکته و نیز سخن پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که فرمود:

إِنَّمَا يَذُرُّكَ الْحَيْرُكُكُ بِالْعَقْلِ وَالْأَدِينِ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۵۴)؛

همه نیکی‌ها به واسطه عقل درک می‌شوند و کسی که عقل نداشته باشد دین ندارد.

باید گفت عقل نیروی تشخیص حق از باطل و بازدارنده از گناه و هدایت‌کننده به اعمال صالحه است، پس برای رسیدن به تربیت متعالی نخست باید به تقویت قوه عاقله و پرورش خردورزی پرداخت تا در پی آن دیگر قوا تعدیل یافته و به رشد و تربیت اخلاقی رسید.

تربیت اخلاقی جامعه در کنار تربیت معنوی تحقق بزرگ‌ترین هدف پیامبران یعنی تهذیب و تزکیه انسان‌ها و از بین رفتن رذائل و ناهنجاری‌های اخلاقی در جامعه را در پی خواهد داشت. بنابراین آنچه در روایات آمده است در تمدن مهدوی در پی تعلیم و تربیت جامعه توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و دولت ایشان ردپایی از ناهنجاری‌های اخلاقی مانند ربا، شراب‌خواری، روابط نامشروع، کینه‌توزی، دروغ و... دیده نخواهد شد و همه آنها ریشه‌کن خواهند شد، امیرالمومنین علیه السلام در اشاره به همین مسئله می‌فرماید:

[مهدی علیه السلام] روابط نامشروع، مشروبات الکلی، رباخواری و رباکاری را از بین می‌برد. مردم به عبادت و اطاعت، دینداری و نماز جماعت روی می‌آورند... امانت‌ها را به خوبی رعایت

می‌کنند، مردمان شرور نابود می‌شوند و افراد صالح باقی می‌مانند (مقدسی شافعی، ۱۴۱۶ق: ۲۱۱).

از دیگر آثار چنین تربیتی از بین رفتن دروغ و فراگیری راستی در جامعه است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۸۵). صدق و راستی تأثیر بنیادین در از بین رفتن ناهنجاری‌های اخلاقی و به وجود آمدن امنیت‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خواهد داشت، چراکه در اجتماع راستگو انسان می‌داند کالایش را به بهای واقعی خرید و فروش می‌کند، و همین امر در دیگر بخش‌های اقتصادی حکمفرما بوده و امنیت اقتصادی را در پی خواهد داشت. در چنین جامعه‌ای در پی اعتماد به گفتار و تبلیغات دیگران امنیت سیاسی نیز تحقق خواهد گرفت و در اثر اطمینان و آرامش از رفتار و کردار یکدیگر امنیت اجتماعی نیز در جامعه برقرار شده و افراد بدون هیچ ترس و هراسی با یکدیگر ارتباط برقرار خواهند کرد (حکیمی، ۱۳۷۴ش: ۵۳). گسترش ابعاد گوناگون امنیت در جامعه و ارتباط سالم بین افراد موجب الفت و دوستی (کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۱، ۳۳۴) و از بین رفتن کینه و دشمنی خواهد شد (صدوق، ۱۳۶۲ش: ۶۲۶).

به طور کلی می‌توان گفت در اثر تعلیم و تربیت در عصر ظهور گناه و تیرگی از بین خواهد رفت و بنابر فرموده پیامبر گرامی اسلام ﷺ خداوند به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه مردم را از هلاکت نجات داده و از گمراهی به راه راست هدایت می‌کند (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۵۱) و در پی ریشه‌کن شدن ناهنجاری‌های اخلاقی کوری و کری که در قرآن کریم به افراد غرق در گناه و فساد نسبت داده شده است مداوا شده و چشم و گوش و زبان روح افراد گشوده می‌شود و روش درست زندگی را کشف می‌کنند (کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۸، ۶۶).

بنابراین به واسطه رشد انسان‌ها در اثر تعلیم و تربیت مهدوی و از بین رفتن گناه و سرپیچی (همان: ج ۱، ۳۳۴) نورانیت و پاکی سراسر زمین را فرا خواهد گرفت (مفید، ۱۳۷۲ش: ج ۲، ۴۸). در چنین شرائطی است که یکی از خصوصیات اصلی تمدن اسلامی یعنی توسعه در جهت بسط عبودیت مهندسی خواهد شد. چراکه تباهی اخلاقی و وسوسه‌های شیطانی عامل بنیادین بازدارنده از تکامل انسان‌ها و رسیدن به مقام عبودیت و بندگی است، و به طور طبیعی از بین رفتن این عوامل و تعلیم و تربیت مهدوی موجب شکوفایی فطرت انسانی و رسیدن به مقام عبودیت خواهد بود. به همین جهت است که گسترش فرهنگ عبودیت با تربیت اخلاقی پیوند خورده و در پی تحقق آن به وقوع خواهد پیوست. زمانی که در اثر تربیت مهدوی مقتضی رشد و تکامل معنوی انسان‌ها صورت پذیرد و موانع بازدارنده آن از جمله وسوسه‌های

شیطانی از بین برود(عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۲۴۲).

بنابر فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام خیرات و برکات فزونی یافته (شوشتری، ۱۴۰۹ق: ج ۱۹، ۶۸۸) و مردم به عبادت رو می‌آورند(مقدسی شافعی، ۱۴۱۶ق: ۲۱۱) و همان‌گونه که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند در دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه له دل‌های بندگان از عبادت و اطاعت پر می‌شود(طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۷۹) و از مبانی و الگوهای آن به شمار می‌رود، چراکه بسیاری دیگر از شاخصه‌های تمدنی برای رسیدن به کمال معنوی و اخلاقی حائز اهمیت هستند. دین اسلام از آن رو که دین کامل بوده و در پی رساندن انسان به سعادت ابدی است مبانی تمدنی آن در مسیر معنویت و اخلاق شکل گرفته است و برجسته‌ترین هدف آن رشد و تعالی معنوی انسان خواهد بود به همین جهت باید گفت تربیت اخلاقی و در پی آن بسط عبودیت نه فقط یکی از شاخصه‌های برجسته در مهندسی تمدن اسلامی به شمار می‌رود؛ بلکه هدف شاخصه‌های دیگر نیز خواهد بود، و می‌توان گفت هدف کلی تمدن اسلامی نیز به شمار آید.

#### اصلاح بینش‌های ناشایست در رویکرد به دین

نادانی و ناآگاهی مردم جهان و حتی مسلمان‌ها از حقیقت دین، و تفسیرهای نادرست و نامعقول از احکام و نظرات آن دست‌مایه کلیدداران پروژه اسلام‌هراسی در جهان قرار گرفته است؛ و دشمنان اسلام برپایه همین کژفهمی‌ها و افراط و تفریط‌ها چهره دینی را که می‌بایست نماد انسانیت و ارزش‌های اخلاقی باشد، وارونه جلوه داده و از این راه در پی منزوی نمودن آن هستند تا با این روش سلطه جهانی را به دست بگیرند. چراکه آنان اسلام و مسلمانان را بزرگ‌ترین خطر برای قدرت خود تلقی می‌کنند.

افزون بر نبود تبیین درست منظومه فکری دین اسلام و سوءاستفاده دشمن از آن، خلأهای ظاهری در متن دین که بنا به نظر برخی بزرگان در پی دسترسی حداقلی به منابع وحی و علم امامت به وقوع پیوسته و به اصطلاح، دین حداقلی در دوران غیبت را رقم زده است، موجب ضعیف‌انگاری دین و عدم پاسخگویی ظاهری آن نسبت به معضلات و مسائل اجتماعی شده است. گرچه در عصر حاضر در جهت تبیین غنای متون دینی پیرامون مسائل اجتماعی تلاش‌هایی انجام داده شده، اما با توجه به نیازهای گسترده و توقعات بسیار، این تلاش‌ها نیز موفق به پاسخگویی مناسب در جهت حل مشکلات اجتماعی و کنار زدن الگوهای فاسد غربی نشده است. این جاست که نیاز به مصلحی که صاحب علم لدنی باشد برای رفع چنین

مشکلاتی احساس می شود، فرد معصوم و منصوب از طرف خداوند که زعامت دین را به عهده گیرد و با اصلاح و تکمیل متون دین و بیان تفسیر و تبیین درست نظرات آن موجب گسترش و رواج دین بین مردم و تعمیق و تکمیل آن شود.

به همین جهت یکی از برنامه های بنیادین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مسیر اعتلای اسلام و پی ریزی تمدن نوین اسلامی بازسازی دین اسلام و از بین بردن انحرافات و نقص های ظاهری آن است. همان طور که امام صادق علیه السلام در پاسخ پرسش از سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

همان کاری را که رسول خدا انجام داد، انجام می دهد؛ برنامه های پیشین را ویران می سازد، همان گونه که رسول خدا اعمال جاهلیت را ویران ساخت؛ و اسلام را نوسازی می کند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۱).

با قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و از بین بردن تحریفات و تفسیرهای نادرست، بساط جریان های انحرافی برچیده خواهد شد و دیگر مجالی برای خودنمایی آنان باقی نخواهد ماند. البته رویارویی با آنها از جهاتی دشوارتر از مقابله با کافران و بی اعتقادان است، چرا که صاحبان جعل و تحریف که با پیروی از هوای نفس خویش تعالیم قرآنی و نبوی را دگروار جلوه داده و افراد پرشماری را به انحراف کشانده اند به راحتی تسلیم حق نشده و با توجیهاتی چند درصد تبرئه خویش برخواهند آمد. همچنین عامه مسلمین نیز که پیرو این جریانات بوده اند تحمل رد شدن پندارهای خویش که سال ها به آن باور داشته اند و (به اشتباه) آن را حق می پنداشتند را ندارند. سختی رودرویی با چنین کسانی در کلام امام صادق علیه السلام این گونه بیان شده است:

آزاری که قائم به هنگام رستاخیز خویش، از جاهلان آخرالزمان ببیند، بسی سخت تر است از آن همه آزار که پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم جاهلیت دید. راوی می گوید: گفتم این چگونه می شود؟ امام فرمود: پیامبر به میان مردم آمد در حالی که ایشان سنگ و صخره و چوب و تخته های تراشیده شده (بت های چوبی) را می پرستیدند، و قائم ما که قیام کند مردمان همه از کتاب خدا برای او دلیل می آورند و آیه های قرآن را تأویل و توجیه می کنند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۷).

در چنین شرائطی رسالت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق درست آموزه های قرآن بر مسائل حیات بشری و مشخص کردن حد و مرزهای واقعی احکام اسلام است، به گونه ای که دیگر امکان تحریف و تأویل در آن وجود نداشته باشد و اصول و فروع دین بدون هیچ افراط، تفریط و تفسیر نادرستی به همگان عرضه گردد. در پی این اقدام تغییراتی در احکام و نظرات دین رخ خواهد



داد به گونه‌ای که برخی می‌پندارند دین نویی آمده است (طبسی، ۱۳۸۶ش: ۱۹۱ با تصرف). البته بی‌گمان قرآن آئین جاودان الهی است و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مفسر و تحقق‌بخش اهداف همین کتاب مقدس است و در راه احیای دوباره تعالیم قرآن و اسلام قیام می‌کند. به همین جهت نباید عرضه آموزه‌های اصیل و فراموش شده دین توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به دین نوین تفسیر کرد، چراکه اسلام دین جاودان و پاسخگوی نیاز همه عصرها و قرن‌هاست، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با ریشه‌کن کردن انحرافات و برداشت‌های غلط از دین، منظومه فکری دین را به درستی تبیین کرده و راه را برای تأویل‌هایی که از روی هوای نفس به دین نسبت داده شده است را می‌بندند. همان‌گونه که امیرالمؤمنین ع ضمن خطبه‌ای به همین امر اشاره نموده می‌فرمایند:

[مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف]، هواپرستی را به خداپرستی بازمی‌گرداند، پس از آن که خداپرستی را به هواپرستی بازگردانده‌اند؛ نظرها و افکار را به قرآن بازمی‌گرداند، پس از آن که قرآن را به نظرها و افکار خود بازگردانده‌اند (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۱۹۵).

### نتیجه‌گیری

روشن شد یکی از رسالت‌های بنیادین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تبیین معنای درست دین و احکام الهی است و از آن جهت که این مسئله موجب گسترش دین و جذب عموم مردم جهان به آن و در پی آن اعتلای اسلام خواهد شد می‌توان آن را یکی از شاخصه‌های مهندسی تمدن عصر ظهور نامید. چراکه گام نخست در جهت برپایی تمدن نوین اسلامی بازنمایی چهره واقعی دین و کارآمدی آن در جهت رفع همه نیازهای فردی و اجتماعی است؛ که در پی آن می‌توان نظام تربیتی، اقتصادی، قضایی و... اسلام را در عرصه‌های گوناگون اجتماع برپا نمود و تمدن اسلامی را محقق ساخت.

و نیز روشن شد توحیدباوری و بسط فرهنگ بندگی دو اصل برجسته اعتقادی در دولت مهدوی است که در همه گستره‌های تمدنی اثر گذاشته و آنها را جهت‌دهی خواهد کرد. به همین سبب بررسی زوایای گوناگون آنها موجب درک درست از مبانی ارزشی تمدن اسلامی و کیفیت تأثیر آنها در سائر شاخصه‌های تمدنی خواهد شد.

### منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۶ش) *علل الشرائع*، ترجمه: هدایت‌الله مسترحمی، تهران: کتابفروشی مصطفوی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق)، *التشريف بالمتن فی التعريف بالفتن*، قم: مؤسسه فرهنگي صاحب‌الامر.
۵. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵ش)، *درآمدی بر اجتهاد تمدن‌ساز*، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۰ق)، *محاسن*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ش)، *تصنيف غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین.
۹. حکیمی محمد (۱۳۷۴ش)، *عصرزندگی*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۰. حلی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱ق)، *مختصر البصائر*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۱. دوران‌ت، ویل (۱۳۶۶ش)، *تاریخ تمدن*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: اقبال.
۱۲. دوران‌ت، ویل (۱۳۶۷ش)، *تاریخ تمدن*، ترجمه: احمد آرام و دیگران تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۱۳. رادمنش، عزت‌الله (بی‌تا)، *کلیات عقاید ابن‌خلدون درباره فلسفه تاریخ و تمدن*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، قم: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام.
۱۵. روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۹ش)، *زمینه فرهنگ‌شناسی*، تهران: عطار.
۱۶. شریعتی، علی (۱۳۹۴ش)، *تاریخ تمدن*، تهران: شرکت انتشارات قلم.
۱۷. شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، قم: هجرت.
۱۸. شوشتري، نورالله (۱۴۰۹ق)، *إحقاق الحق وإزهاق الباطل*، قم: کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی.
۱۹. صدر، محمد (۱۳۸۴ش)، *تاریخ پس از ظهور*، تهران: موعود عصر.
۲۰. صمدی، قنبرعلی (۱۳۹۴ش)، «ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی عنصر ظهور و نقش الگویی آن در فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز»، *فصل‌نامه پژوهش‌های مهدوی*، سال چهارم، شماره ۱۴.

۲۱. طبسی، نجم‌الدین (۱۳۸۶ش)، *نشانه‌هایی از دولت موعود*، قم: بوستان کتاب.
۲۲. طوسی، محمدبن الحسن (۱۴۱۱ق)، *کتاب الغیبه*، قم: مؤسسه معارف اسلامی، اول.
۲۳. طوسی، محمدبن الحسن (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، قم: دارالثقافة.
۲۴. عرفان، امیر محسن (۱۳۹۶ش)، *رسانه و آموزه مهدویت*، قم: بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۲۵. عیاشی، محمدبن مسعود (۱۴۱۷ق)، *تفسیر*، بیروت: منشورات اعلمی.
۲۶. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر*، قم: دارالکتاب.
۲۷. کارگر، رحیم (۱۳۸۷ش)، *تعلیم و تربیت در عصر ظهور*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۲۸. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵ش)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۳۰. مروزی، نعیم بن حماد (۱۴۲۳ق)، *الفتن*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۴۰۰ش)، *سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام*، قم: انتشارات صدرا.
۳۲. مفید، محمدبن محمد نعمان (۱۳۷۲ش)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: دارالمفید.
۳۳. مفید، محمدبن محمد نعمان (۱۴۱۳ق)، *الاختصاص*، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
۳۴. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی (۱۴۱۶ق)، *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، تحقیق: عبدالفتاح محمد الحلو، قم: انتشارات نصاب.
۳۵. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۵۷ش)، *کشف الاسرار*، قم: آزادی.
۳۶. نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: مکتبه الصدوق.
۳۷. واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۱ش)، *نگرش سیستمی به دین*، مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی.